

واکاوی قواعد فقهی تأثیرگذار در فرزندآوری با تأکید بر نقش زمان

و مکان

فایول سار^۱، مریم برقی^۲

چکیده

یکی از موضوعاتی که امروزه بین مردم مورد بحث و مناقشه قرار گرفته، مسئله فرزندآوری است. از گذشته تاکنون فرزندآوری برای بقای نسل و جلوگیری از کاهش جمعیت مسلمانان یکی از دغدغه‌های عالمان دین و کارشناسان خانواده و جمعیت بوده است. هدف از نوشتن مقاله حاضر توجه به اندیشه و شعار جدیدی که در جهان امروز به وجود آمده (فرزند کمتر زندگی بهتر) و روند کاهش جمعیت و پاسخ به این سؤال است که آیا منابع دینی در مورد فرزندآوری در هر زمان و مکان نگاهی اثبات‌گرایانه دارند یا خیر؟ نوشتار حاضر با استفاده از روش تحلیلی-توصیفی، در محدوده فقه و با استفاده از منابع معتبر فقهی با رویکردی به قواعد فقهی تأثیرگذار در فرزندآوری به این مسئله می‌پردازد. دستاوردهای پژوهش حاضر نشان می‌دهد که اهمیت ذاتی فرزند و جایگاه آن نه تنها در روایات متعددی بیان شده، بلکه به مطالبه فرزند امر شده است و ظهور بر وجوب دارد، اما وجود قرائن و اجماع فقها مانع از این ظهور می‌شود.

واژگان کلیدی: ولد، قواعد فقهی، زمان و مکان.

۱. دانش‌پژوه ارشد فقه خانواده از کشور سنگال، مجتمع آموزش عالی بنت‌الهدی، جامعه‌المصطفی‌العالمیه، قم، ایران.

Email: Fayaa.2.fs@gmail.com

۲. مربی و مدیر گروه علمی-تربیتی فقه خانواده، مجتمع آموزش عالی بنت‌الهدی، جامعه‌المصطفی‌العالمیه، قم، ایران.

Email: m.borqhei@yahoo.com

۱. مقدمه

اسلام دین جامعی است که همه نیازهای مادی، معنوی، فردی و اجتماعی انسان‌ها در آن پیش‌بینی شده است. شریعت اسلامی شیوه‌ای از زندگی است که در آن تمام مسائل زندگی انسان‌ها بیان شده است. با توجه به اینکه جامعه انسانی در زمان و مکان‌های مختلف از نظر سیاسی، اقتصادی و به‌ویژه اجتماعی زندگی می‌کند، تغییرپذیر بوده و تغییرات آن تابع تغییرات زمان و مکان خودش است. این شریعت کامل است و در هر زمان و مکانی با انسان سروکار دارد و باید با رویکردی عاقلانه و واقع‌گرایانه با مشکلات و اهمیت اصلاحات مقابله کرد. قوانین فقهی به مسائل اجتماعی به‌طور کلی و مشکلات خانوادگی به‌ویژه فرزندآوری می‌پردازد. هدف از نوشتار حاضر پاسخ به این مسئله است که قواعد فقهی در فرزندآوری کدامند و نقش زمان و مکان در آن چیست.

درباره فرزندآوری کتاب‌ها و مقاله‌های بسیاری نوشته شده است، مانند کتاب‌های نگرشی به فرزندآوری تألیف سمیرا ناقدی‌مهر، فرزندآوری در سبک زندگی اسلام اثر مسلم شوبکلایی. مقاله مبانی فقهی الزام به فرزندآوری از نسرین رهنما و عبدالله امیدی‌فر، مقاله وضعیت فقهی-حقوقی شروط راجع به فرزندآوری یا عدم فرزندآوری از جواد نیک‌نژاد و... در هیچ‌یک از آثار مذکور قواعد فقهی ناظر بر فرزندآوری و نقش عناصر زمان و مکان بر فرزندآوری بررسی نشده است. نوشتار حاضر سعی می‌کند به این سؤال اصلی پاسخ دهد که واکاوی قواعد فقهی تأثیرگذار در فرزندآوری با تأکید بر نقش زمان و مکان چگونه است. در راستای دستیابی به پاسخ این پرسش باید به سؤال‌هایی مانند اهمیت و مطلوبیت فرزندآوری چیست، دیدگاه فقها بر فرزندآوری چگونه است، نقش عنصر زمان و مکان بر فرزندآوری چگونه تحلیل می‌شود و قواعد فقهی ناقله بر فرزندآوری کدامند نیز پاسخ داده شود.



۲. مفهوم‌شناسی

۲-۱. ولد

ولد در لغت به معنای فرزند است؛ خواه فرزند انسان باشد و یا غیر انسان. این واژه بر مذکر و مؤنث، تشبیه و جمع خوانده می‌شود. (قرشی، ۱۴۱۲، ۱۱/۴؛ فراهیدی، ۱۴۰۹، ۷۸/۸) استولد: استیلا (ولد). فلان: فلانی فرزند خواست (افرام، ۱۳۷۵، ص ۱۱). واژه ولد در قرآن به معنای زیر آمده است: وَوَلَدٌ یَعْنِی، فرزند و مولود برای مفرد، جمع، کوچک و بزرگ به کار می‌رود. خدای تعالی فرمود: «ان لم یکن لهما ولد» (نساء: ۱۷۶)؛ «وَأُنثٰی یَکُونُ لَهُ وَوَلَدٌ» (انعام: ۱۰۱). به پسر خوانده و کسی که خود را به پدر و مادری نسبت دهد وَوَلَدٌ گویند: «او نَتَّخِذُهُ وَوَلَدٌ؛ یا اینکه او را به فرزند می‌گیریم» (قصص: ۹) (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ۴/۴۸۵).

۲-۲. زمان و مکان

در تعریف زمان و مکان نظرات مختلفی وجود دارد. زمان در لغت به معنی وقت است؛ چه کوتاه یا بلند باشد و مکان به معنای موضع و محل است. (جوهری، ۱۳۷۶، ۲۱۳/۵) زمان و مکان دو ظرفی هستند که جامعه را دربر گرفته‌اند و مراد این است که راه و رسم و عرف و سنت هر جامعه در هر دوره و هر جا باید مورد عنایت خاص فقیه باشد تا در پرتو این بستگی با جامعه فتاوی او راهگشا شود و حلال مشکلات فراوان پیرامون جامعه باشد.

۲-۳. قاعده فقهی

قاعده فقهی امری یا حکمی کلی است که در هنگام شناسایی احکام جزئیات از آن بر تمام جزئیات خود منطبق باشد و بر تمام مسائل فقهی که شامل آنهاست، تطبیق می‌کند. (فرحناک، ۱۳۸۹، ۲/۱۱۷۶)

۳. اهمیت و مطلوبیت فرزندآوری

۳-۱. آیات قرآن

آیه‌ای در قرآن مجید نیست که به صورت صریح و مستقیم به فرزندآوری دستور داده باشد. در بسیاری از آیات قرآن فرزندآوری با ویژگی‌ها و تعابیری توصیف شده که جای هیچ شک و شبهه‌ای

باقی نمی‌گذارد. در گفتمان و حیانی این کتاب مقدس موضوع فرزندآوری و ازدیاد نسل امری مطلوب و پسندیده است. در آیه ۱۴ سوره آل عمران از فرزندان به متاع یاد شده و آمده است: «زَيْنَ لِلنَّاسِ حُبُّ الشَّهَوَاتِ مِنَ النِّسَاءِ وَالْبَنِينَ وَالْقَنَاطِيرِ الْمُقَنْطَرَةِ مِنَ الذَّهَبِ وَالْفِضَّةِ وَالْخَيْلِ الْمُسَوَّمَةِ وَالْأَنْعَامِ وَالْحَرْثِ ذَلِكَ مَتَاعُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَاللَّهُ عِنْدَهُ حُسْنُ الْمَبَإِ؛ دوستی خواستنی‌های گوناگون از زنان و پسران و اموال فراوان از زر و سیم و اسب‌های نشان‌دار و دام‌ها و کشتزارها برای مردم آراسته شده است، این جمله مایه تمتع زندگی دنیاست و حال آنکه فرجام نیکو نزد خداست». در آیه ۴۶ سوره کهف از فرزندان به زینت زندگی یاد شده است: «الْمَالُ وَالْبَنُونَ زِينَةُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ الْبَاقِيَاتُ الصَّالِحَاتُ خَيْرٌ عِنْدَ رَبِّكَ ثَوَابًا وَ خَيْرٌ أَمَلًا؛ مال و فرزند، زینت زندگی دنیاست و باقیات صالحات ارزش‌های پایدار و شایسته ثوابش نزد پروردگارت بهتر و امیدبخش‌تر است».

۳-۲. روایات

اهمیت ذاتی فرزند و جایگاه آن نه‌تنها در روایات متعدد بیان شده، بلکه به مطالبه فرزند نیز امر شده است. پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می‌فرماید: «أَطْلُبُوا الْوَلَدَ وَالتَّمَسُّوهُ فَإِنَّهُ قُرَّةُ الْعَيْنِ وَرِيحَانَةُ الْقَلْبِ؛ فرزند بخواهید و آن را طلب کنید؛ زیرا مایه روشنی چشم و شادی قلب است» (طبرسی، ۱۳۷۰، ۴۸۰/۱). حضرت محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در حدیث دیگری فرمود: «لَا يَدْعُ أَحَدُكُمْ طَلَبَ الْوَلَدِ فَإِنَّ الرَّجُلَ إِذَا مَاتَ وَ لَيْسَ لَهُ وَلَدٌ انْقَطَعَ اسْمُهُ؛ هیچ‌یک از شما نباید فرزندخواهی را واگذارد؛ زیرا وقتی انسان بمیرد و فرزندی نداشته باشد از نام و آوازه می‌افتد» (متقی هندی، ۱۴۱۹، ۲۸۱/۱۶). یکی دیگر از مواردی که بر مطلوبیت و اهمیت فرزندآوری تأکید می‌کند این است که فرزند داشتن با احساس شایستگی و مثمر بودن در ارتباط است. امام سجاد عَلَيْهِ السَّلَام می‌فرماید: «أما حق ولدك فان تعلم أنه منك و مضاف الیک؛ باید بدانی که او از تو و ثمره وجود توست»؛ یعنی داشتن فرزند به ثمره وجود والدین تعبیر می‌شود (نوری، ۱۳۶۸، ۱۶۸/۱۵). فرزند، یکی از اسبابی است که خانواده را محکم و استوار نگه داشته و عامل مؤثری در رشد و تعالی معنوی والدین بعد از مرگ است.



پیامبر ﷺ می‌فرماید: «خَمْسَةٌ فِي قُبُورِهِمْ وَنَوَائِبُهُمْ يَجْرِي إِلَيَّ دِيْوَانِهِمْ مَنْ عَرَسَ نَخْلًا وَ مَنْ حَفَرَ بَيْرًا وَ مَنْ بَنَى لِلَّهِ مَسْجِدًا وَ مَنْ كَتَبَ مُضْحَفًا وَ مَنْ خَلَّفَ إِبْنًا صَالِحًا؛ پنج گروه هستند که در قبرشان هستند، ولی برای آنها در پیرونده اعمالشان ثواب نوشته می‌شود: کسی که درختی کاشته، کسی که چاهی برای عموم حفر کرده، کسی که مسجدی برای رضای خدا ساخته، کسی که کتابی برای هدایت مردم نوشته و کسی که فرزند صالحی تربیت کرده باشد». (مجلسی، ۱۴۱۰، ۹۷/۱۰۱)

بااستناد از روایت از امام باقر علیه السلام: «تزوجوا بکرا ولودا ولا تزوجوا حسناء جمیله عاقراً فانی آباهی بکم یوم القیامه» و سخن پیامبر ﷺ که فرمود: «با دختر باکراهی که فرزندآور است، ازدواج کنید و با زن نازای زیبا ازدواج نکنید؛ زیرا من به فرزونی جمعیت شما در روز قیامت مباحات می‌کنم» (کلینی، ۱۴۱۱، ۳۳۳/۵) می‌توان برداشت کرد که مطلوبیت فرزندآوری مورد تشویق امام علیه السلام بوده است. امام صادق علیه السلام فرمود: «عده من أصحابنا عن احمد، عن ابی عبدالله قال رسول الله ﷺ: أكثروا الولد أكثر بکم الأمم غدا؛ رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: بر تعداد فرزندان بیفزایید تا در روز قیامت به فرزونی شما بر امت‌ها تفاخر کنم» (کلینی، ۱۴۱۱، ۲/۵). این احادیث بر مطلوبیت فرزندآوری و فراوانی اولاد دلالت می‌کنند. این احادیث بدان سبب که ازدیاد فرزند باعث تفاخر پیامبر صلی الله علیه و آله در روز قیامت دارد به خوبی بر مطلوبیت فرزندآوری در آموزه‌های اسلامی به صورت یک عمل مستحب دلالت می‌کند. دلالت این احادیث بر پسندیده بودن فرزندآوری بسیار روشن است و می‌توان آنها را بهترین مشوق‌های ازدیاد جمعیت در میان مسلمانان دانست. بنابراین، روایات فرزندآوری امری مهم، ضروری و مورد تأکید اسلام هستند؛ زیرا آثار و برکات فراوانی برای جامعه اسلامی دارند.

۳-۳. دیدگاه فقها

برخی از فقها درمقابل احادیث ذکرشده بر ضرورت فرزندآوری به روایات دیگری از معصومین علیهم السلام استناد می‌کنند که درظاهر مضامین متفاوت و مخالفی با مطلوبیت استیلا و زیاد بودن فرزندان دارند. این روایات قائل به این هستند که تعارضی بین این احادیث وجود دارد ازجمله حدیث «قله العیال احدی الیسارین؛ کمی نان خورها یکی از دو آسانی است» (صدوق، ۱۴۱۲، ۴/۴۱۶). آنها

برآیند که این روایت، فرزندآوری را نکوهش می‌کند؛ زیرا آسایش، یکی از نتایج تعداد کم نان خورها و عیال انسان معرفی شده است. بنابراین، افزایش جمعیت و فرزندان امری مذموم و نقض‌کننده آسایش است، ولی آنها واژه (عیال) را ملاحظه نکرده‌اند که مطلق و شامل همسر و فرزند می‌شود؛ یعنی این روایت به کثرت فرزند مقید نمی‌شود و نیز از این روایت برداشت می‌شود که تشویق به کم کردن اهل و عیال نیست، بلکه توجه دادن به این نکته است که زیادی عیال سخت است و این مضمون با مستحب بودن ازدیاد اولاد و تلاش برای خانواده و تحمل مشکلات آن منافات ندارد. این حدیث دلالتی بر لزوم جلوگیری از فرزندآوری نیست. آیت‌الله مکارم تأکید می‌کند که این حدیث تنها بیان واقعیت و تسلی خاطر است برای کسانی که فرزندان کمی دارند و از آن رنج می‌برند. به عبارت دیگر مشقت دانستن یک فعل ملازم با عدم استحباب و حتی وجوب یک عمل نیست، پس هیچ تعارضی وجود ندارد.

اگرچه فقها دیدگاه‌های متفاوتی در مورد فرزندآوری بیان کرده‌اند، اما آنچه از آموزه‌های قرآنی و روایی برداشت می‌شود مطلوبیت افزایش کمی و کیفی نسل است که داشتن اولاد صالح مایه مباهات پیشوایان دین نیز قرار گرفته است. فقها به‌طور مستقیم درباره این موضوع که آیا استیلا از آثار نکاح است یا خیر دیدگاه‌های متفاوتی دارند و با بررسی مسئله عزل، پاسخ این سؤال به دست می‌آید. برخی از فقها قائل به حرمت عزل بدون رضایت زن هستند و برخی دیگر از فقها به کراهت عزل بدون اذن زن. فقهایی که قائل به حرمت هستند استیلا را جزو آثار نکاح می‌دانند و چنانچه زوجین قصد بچه‌دار شدن ندارند باید عدم استیلا را شرط کنند. فقهایی که قائل به کراهت هستند آن را جزو آثار نکاح نمی‌دانند. چنانچه زوجین قصد باروری دارند باید استیلا را شرط کنند و اگر قصد دارند برخلاف شرط ارتکازی (شرط ثابت در اذهان) موجود قید بچه‌دار شدن را بزنند باید عدم استیلا را ضمن عقد شرط کنند. (نیک‌نژاد، ۱۳۹۴، ص ۱۰۳)

این موضوع در مسئله جواز یا عدم جواز عزل منی مطرح شده است. (محقق ثانی، ۱۴۱۴، ص ۵۰۳) برخی از فقها عزل را بدون اجازه زوجه جایز نمی‌دانند (مفید، ۱۴۱۳، ص ۵۱۶)؛ یعنی حرمت عزل را فتوا دادند. شیخ طوسی می‌گوید: «عزل نمودن از زن آزاد تنها با رضایت وی جایز

است. بنابراین، چنانچه زوج بدون رضایت وی اقدام به عزل کند، گناه نموده و باید ده دینار دیه بپردازد» (طوسی، ۱۴۰۷، ۳۵۹/۴). براساس این دیدگاه، عزل جایز نیست. بنابراین، فرزندآوری از آثار و لوازم نکاح است. برخی قائل به حرمت عزل هستند و دلیل آنها این است که در روایتی از پیامبر ﷺ آمده است: «زوج نمی‌تواند از زوجه آزاد عزل کند مگر اینکه از زوجه اجازه داشته باشد» (حلی، ۱۴۱۳، ۷۵/۱۶) و عزل دیه دارد. بنابراین، عزل حرام است. دلیل دیگر منافات داشتن عزل با غرض شارع از تشریح نکاح است (مکارم شیرازی، ۱۴۲۸، ص ۷۱)؛ زیرا هدف از نکاح، استیلاست. در روایتی از پیامبر ﷺ آمده است: «ازدواج کنید تا نسل شما فزونی گیرد که من با فزونی جمعیت شما حتی به فرزندان سقط شده در قیامت به دیگر امت‌ها مباحثات می‌کنم» (مجلسی، ۱۴۱۰، ۲۵۹/۱۷). عزل کردن با تکثیر نسل هم منافات دارد در نتیجه جایز نیست.

برخی از فقها معتقدند که عزل بدون رضایت زوجه آزاد مجاز نیست چنانچه شیخ طوسی می‌گوید: «العزل من الحرئ لا يجوز الا برضاها فمتی عزل بغير رضاها اثم». (طوسی، ۱۴۰۷، ۳۵۹/۴) برخی معتقدند عزل بدون رضایت زوجه آزاد کراهت دارد. مستند این گروه روایاتی است که بر عدم جواز عزل وارد شده است. محقق حلی می‌فرماید: «العزل عن الحره اذا لم يشترط في العقد ولم تأذن قيل: هو حرام وقيل هو مكروه وهو اشبه؛ دربارۀ عزل از زوجه آزاد مادامی که در عقد شرط نشده و او اذن نداده است، گفته شده حرام است. برخی نیز گفته‌اند که مکروه است، قول کراهت اشبه به ادله است» (محقق حلی، ۱۴۰۸، ۲۱۴/۲؛ کلینی، ۱۴۱۱، ۵۰۴/۵). مشهور فقها قائل به کراهت عزل هستند و حتی اگر عزل را حرام بدانند در صورت رضایت زن جایز است در مورد زنان هم مطرح است که آیا زن می‌تواند از بچه‌دار شدن موقتی جلوگیری کند درحالی که شوهر رضایت ندارد یا نه؟ برخی از فقها بین زن و مرد قائل به تفصیل شده‌اند. امام خمینی رحمته الله علیه در این باره معتقد است: «جلوگیری بدون رضایت شوهر برای زن جایز نیست، ولی اگر مرد جلوگیری کند مانع ندارد اگرچه زن رضایت نداشته باشد» (موسوی خمینی، ۱۳۹۲، ۴۴۱/۸). جلوگیری مرد از باروری در مواردی که زوجه کنیز باشد یا راضی باشد یا شرط ضمن عقد کرده باشد، مجاز است، ولی اگر زن رضایت نداشته باشد و شرط ضمن عقد هم نکرده باشد بنا بر برخی اقوال حرام و بنا بر برخی

اقوال مکروه است. در مورد امتناع زوجه از باروری با هر وسیله‌ای موجب عقیم یا ضرر نباشد با رضایت شوهر انجام دهد، مجاز است. سؤال تحقیق حاضر این است که زمان و مکان چه تأثیری در تکثیر یا جلوگیری از بچه‌دار شدن بین زوجین در سطح خانواده یا جامعه دارد.

۴. نقش عنصر زمان و مکان بر فرزندآوری

زمان و مکان در فرزندآوری تأثیرگذار است؛ یعنی تحولات اجتماعی و فردی که ناشی از اراده انسان‌ها و متأثر از علوم بشری و فهم انسانی است در هر زمانی تغییر می‌کند و گاهی به صورت فرهنگ و عادات مردم جلوه می‌کند. این معنا از مکان و زمان در تغییرات موضوعات فقهی اثر غیرقابل انکاری دارد. شک نیست که مناسبات زمانی و شرایط مخصوص زمانی و مکانی اثر مهمی دارد همان‌طور که تغییر حکم اولی به حکم ثانوی صورت می‌گیرد، گاهی زمان و مکان موجب می‌شود حاکم اسلامی حکم جدیدی صادر کند. (العاملی، ۱۴۱۶، ص ۵) این نوع از تأثیر زمان و مکان در ایجاد موضوعات جدید یا تغییر موضوعات به واسطه تأثیر در مصالح است. بنابراین، تغییرات مصلحت موجب صدور احکام یا فتاوی جدید می‌شود. برای مثال پدیده عدم توازن یا خلل نظام جامعه و... موجب می‌شود که احتیاج به کنترل جمعیت باشد. در این صورت فقیه می‌تواند برای حفظ نظام جامعه و جلوگیری از ضررهای بزرگ فتوا دهد.

۴-۱. تأثیر زمان و مکان در فرزندآوری از نظر فقها

فقها اتفاق نظر دارند که مقوله زمان و مکان در استنباط حکم امری پذیرفته شده است. برخی گفته‌اند: «امکان تبدیل مصلحتی را که مقتضی وجوب یا استحباب بوده به مفسده‌ای که مقتضی حرمت است، پذیرفته است» (قرافی، بی تا، ۱/۱۸۲)؛ یعنی هر جا مصلحت به مفسده تبدیل شد حکم آن نیز از جواز به منع تغییر پیدا می‌کند. باین حال روشن می‌شود که عامل تبدیل مصلحت به مفسده عنصر زمان و مکان است. همچنین تأثیر زمان و مکان در احکام ثانویه نیز واضح است؛ زیرا موضوع احکام ثانویه (مانند عسر، حرج، نسیان و...) ارتباط نزدیکی با حالات مکلف و مکلفان دارد. بنابراین، ممکن است در زمان و مکان خاصی فرزندآوری یا تکثیر موالید جایز و... مباح شود



و در غیر از آن شرایط حکم تبدیل شود و به کراهت می‌افتد. به عبارت دیگر زمان امکان تأثیر دارد؛ یعنی اگر این شروط و ظروفی که امروز وجود دارد، ثابت باشد حکم ثابت است و اگر عوض شود، قهراً موضوع هم عوض می‌شود و در نتیجه حکم تغییر می‌کند؛ یعنی ممکن است چیزی که در گذشته حکمی مثل اباحه داشت امروز حرام باشد یا حکم کراهت بر آن بار شود و شاید در آینده مستحب یا واجب شود.

۵. قواعد فقهی ناقله بر فرزندآوری

۵-۱. قاعده «المشقه موجب الیسر»

قاعده «المشقه موجب الیسر» تسهیل را به همراه دارد و منظور از تسهیل آن است تا شریعت در موقعیتی قرار گیرد که توان مکلف را داشته باشد؛ یعنی تکلیف بدون عسر یا حرج و بدون مشقت انجام می‌شود. اگر فرد درحالی قرار گیرد که براساس معمول نمی‌تواند کارها را انجام دهد خداوند متعال به او اجازه می‌دهد که براساس توانایی خود آن را انجام دهد و این رفع حرج و سختی مردم است (مکی عاملی، ۱۳۹۸، ۱/۱۲۳). این قاعده فقهی در زمینه معاملات و همچنین در زمینه احوال شخصیه کاربردهای عملی فراوانی دارد. اصل عسر و حرج که مستلزم تسهیل است بر تمام اجازه‌های شرعی و تخفیفات تأثیر می‌گذارد مانند جوازهای جلوگیری از موالید. می‌توان گفت تسهیل منحصر به شرایط مانع به اجرای حکم درمی‌آید و منجر به کشیدن افراد در احوال ضروری نباشد، بلکه ممکن است شامل نیازها و ضرورت‌های موقتی که به مصلحت عام تلقی می‌شود نیز باشد مانند قرار دادن ملت یا گروه بزرگی از آن در معرض ضرورتی که مستلزم شرعیت شدن عمل ممنوع برای رسیدن به غرض شرعی مانند امنیت و سلامت جامعه و حفظ قدرت آن؛ چنان که برخی از فقها بیان کردند اگر واقعاً مطالعات کارشناسان اجتماعی باایمان، بابصیرت، واقع‌بین، همه‌سونگر و محاسب به این نتیجه رسید که اگر در جامعه اسلامی فرزندآوری از عدد معینی بالاتر رود جان، هستی و سلامت این جامعه در معرض خطر است به راحتی می‌توان فتوا داد که بر این

امت واجب است که میزان فرزندان را در حد معین نگه دارد؛ زیرا جان جامعه از جان فرد محترم تر است. (بهشتی، ۱۳۹۰، ۳۱-۳۲)

۵-۲. قاعده شرط

شرط در لغت به معنای علامت نشانه است (ابن فارس، ۱۴۰۴، ص ۲۶۰) و آنچه وقوعش منوط به وقوع چیز دیگری است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ص ۴۵۰) در اصطلاح شرعی گاهی شرط به معنای مطلق عهد آمده است (فرکوس، ۱۴۳۵، ص ۱۳۷). معنای دیگر آن الزام التزام است که در ضمن عقد درج شده باشد. گفته اند: «الشرط الزام الشیء والتزامه فی البیع و نحوه» (ابن منظور، ۱۴۱۴، ۳۲۹/۲)، شرط امری است مربوط به آینده که حدوث یا زوال تعهد منوط به آن است. شروطی را که در ضمن عقد گنجانده می شود شروط ضمن عقد گاهی مرتبط با محتوای عقد هستند. برای مثال طرفین به طور صریح شرط استیلا را ضمن نکاح می گنجانند. در این صورت هریک از زوجین مکلف به باروری است و در صورت استئناف طرف مقابل می تواند الزام وی را به فرزندآوری بخواهد و یا شرط بچه دار شدن یا عدم باروری در ضمن عقد و این مورد بحث فقها و حقوق دانان شده، اما آنچه که برای این تحقیق مهم است، این قاعده تأثیرگذار در شرط استیلا در عقد نکاح است یا نه با توجه به اینکه باروری جزو آثار نکاح تلقی می شود و اینکه از مقتضیات ذات نکاح محسوب نمی شود جزو مقتضای اطلاق نکاح بوده و شرط عدم استیلا هم شرطی برخلاف مقتضای اطلاق نکاح بوده که هم شرط و هم عقد صحیح خواهد بود. در این صورت سؤالی پیش می آید که استیلا از حقوق کیست؟ آیا منحصر به زوج است یا نه و بالعکس یا مشترک بین زوجین؟ پس از بررسی دیدگاه های فقها استیلا به طور خلاصه حق مشترک زوجین محسوب می شود (نجفی، ۱۴۰۴، ۳۸۴/۳۰).

۵-۳. قاعده لاضرر

در کتاب صحاح، لاضرر به معنای مضر به کار رفته است: «انه خلاف النفع؛ مخالف نفع را ضرر گویند». (قرشی، ۱۴۱۲، ۱۸۰/۴). «انه ضد النفع وانه سوء الحال؛ ضرر به معنی ضد نفع و بد حالی



است. النهایه و مجمع البحرین: «انه نقص فی الحق»؛ به نقصی که در حق وارد شود، ضرر گویند». المصباح: «انه فعل المکروه بأحد والنقص فی الأعیان»؛ ضرر انجام کار ناپسند در مورد افراد و ایراد نقص در مورد اشیاء است مفردات «انه سوء الحال» (ابن اثیر، بی تا، ۸۱/۳؛ طریحی، بی تا، ۳۷۱/۳) اهمیت این قاعده به اندازه ای است که برخی از آن رمز هماهنگی اسلام با پیشرفت ها و توسعه فرهنگ یاد کرده اند و آن را از قواعد حاکی دانسته اند که بر سرتاسر فقه حکومت دارد و کار آن کنترل و تعدیل قوانین دیگر است (مطهری، ۱۳۷۳، ۳۶/۱). همچنان قاعده لاضرر به معنی نفی مشروعیت هرگونه ضرر و اضرار در اسلام است. از این قاعده به قاعده نفی ضرر نیز تعبیر می شود. در اختیار انسان نیست که در هر موقعیتی کاری را که مانع بارداری شود انجام دهد؛ زیرا استفاده از آنچه ممنوع است، جایز نیست؛ زیرا در برخورد با اهداف ازدواج در شریعت اسلامی است، اما به دلیل ضرورت جایز است درجایی که انتظار می رود در صورت باردار شدن به زن آسیب وارد شود. برخی از فقها به کسی که در وضعیتی که ضرر متوجه مادر باردار است به او اجازه داده می شود از مواد ضد بارداری استفاده کند همچنین در نیازها و ضروریات عام جامعه (غیر از بحث بارداری) می توان گفت که آنها نیز براساس آیه «لَا تُضَارُّ وَالِدَةً بِوَالِدِهَا وَلَا مَوْلُودٌ لَهُ بِوَالِدِهِ؛ نباید مادری به خاطر فرزندش زیان بیند و نه پدری برای فرزندش دچار ضرر شود» (بقره: ۲۳۳). در قاعده گنجانده شده پس قاعده به بیشتر مجوزهای شریعت مانند سفر، بیماری و چیزهایی که در مصلحت عام باشد مانند تکثیر یا مشروعیت کنترل جمعیت تعلق می گیرد (مکی عاملی، ۱۳۹۸، ۱۲۳/۱). از این رو می توان گفت این قاعده در صورتی بر فرزندآوری تأثیر می گذارد که بین زوجین درباره فرزندآوری ضرری ایجاد نمی کند؛ یعنی اگر شرایط زمان و مکان برای فرزندآوری یا جلوگیری از آن باشد، می توانند براساس مصلحت خود انجام دهند.

۴-۵. قاعده لاضرر و لاجرح

قاعده لاجرح به معنی تکلیفی است که مکلف عقلا قدرت انجام دادن آن را دارد، ولی این امر برای مکلف قابل تحمل نیست. (حرعاملی، ۱۴۰۹، ۳۲۷/۱) شاید آنچه در این زمینه این رویکرد را تأیید

کند، همان چیزی است که برخی از فقها می‌دانند که کنترل موالید یکی از مهمترین مسائل اجتماعی است؛ بدین معنا که یکی از اصول مهم مدیریت، ایجاد توازن میان امکانات و نیازها است و در صورت عدم موفقیت ایجاد توازن میان امکانات و نیازها، نظام مدیریت دچار اشکال می‌شود، ولی کارشناسان جمعیتی، معتقدند که اگر موازنه جمعیتی کشورها به هم بخورد برای ایجاد هماهنگی دو کار می‌توان انجام داد یا اینکه امکانات افزایش داده شود و یا از نیازها کاسته شود و در کوتاه مدت اگر امکان افزایش امکانات نباشد، پس چاره‌ای نیست جز اینکه نیازها کاهش داده شود. (ر.ک.، جاوید، ۱۳۹۴، ص ۲۳۷)

۵-۵. قاعده «درء المفسد اولی من جلب المنافع»

قاعده دفع مفسده سزاوارتر از جلب مصلحت از جمله قواعد فقهی مشهور است. شاطبی معتقد است که اگر مصلحت راجح و مفسده مرجوح بود، فقط جلب مصلحت معتبر است، اما در صورتی که مفسده راجح و مصلحت مرجوح باشد، دفع مفسده معتبر است. (شاطبی، بی تا، ص ۲۰) به نظر کارشناسان تحدید نسل در سطح کلان در عصر حاضر مفسده‌ای راجح و جلب رفاه بیش تر مباحث مرجوحی است. از این رو سیاست‌ها و برنامه‌های دولت و الگوهای توسعه در مقیاس کلان با دفع مفسده تحدید نسل باید به افزایش جمعیت و تکثیر نسل منجر شود. از این رو، سیاست‌ها و برنامه‌های دولت و الگوهای توسعه در مقیاس کلان، با دفع مفسده تحدید نسل باید به افزایش جمعیت و تکثیر نسل منجر شود. بنابر قاعده مذکور زمانی که احساس شود شرایط زمان و مکان برای تربیت ولد صالح مناسب نیست و موجب نشر مفسده در جامعه می‌شود. در چنین شرایطی جایز است یا از سمت خانواده یا از طرف قوانین حکومتی از فرزندآوری جلوگیری شود؛ زیرا مصلحت حفظ جامعه این چنین اقتضا می‌کند. برعکس اگر خانواده یا جامعه احتیاج به تکثیر موالید داشته باشند و شرایط زمان و مکان به سمت مصلحت فرزندآوری بیشتر متمایل است، لازم است در این شرایط برای دفع مفسده کاهش جمعیت، شهروندان جامعه تمایل به زیاد فرزندان داشته باشند. (جاوید، ۱۳۹۴، ص ۲۵۰)



۶. نتیجه‌گیری

هرگاه تحدید نسل مؤمنین موجب تضعیف اسلام شود و امنیت را به مخاطره انداخت جایز نمی‌باشد، بلکه تکثیر موالید ضروری و لازم خواهد بود. تکثیر موالید مباح می‌شود وقتی از جمله موارد منطقه الفراغ وارد شود. از آیات و روایات و قواعد فقهی ناظر بر تکثیر موالید چنین استنباط شده که تحدید نسل مؤمنین و کاهش موالید که موجب امنیت جامعه، شکوه و قدرت نظام اسلامی به مخاطره افتد، جایز نمی‌باشد، بلکه تکثیر موالید ضرورت خواهد یافت. زمان و مکان به معنای مجموعه شرایط حاصل از روابط سیاسی، اجتماعی و اقتصادی یعنی، شرایطی که از مجموعه تفکرات و اعمال انسان و تغییرات و وقایع تاریخی و طبیعی تحت تأثیر روابط سیاسی (داخلی و خارجی)، اجتماعی و اقتصادی حاصل می‌شود و بر موضوعات و مصادیق و استنباط احکام فقهی تأثیر می‌گذارد، می‌باشد. در مجموع بنابر مطالب مذکور برادشت می‌شود که زمان و مکان نقش مهمی در فرزندآوری ایفا می‌کند. اسلام به پیروان خود اعلام کرده است که همه دستوره‌های آن ناشی از یک سلسله مصالح عالی‌ه است و از طرف دیگر در خود اسلام درجه اهمیت مصلحت‌ها بیان شده است. اسلام اجازه داده است که در فرزندآوری عنصر زمان و مکان لحاظ شود؛ زیرا درجه اهمیت مصلحت‌ها را می‌سنجد و مهمترین آنها را انتخاب می‌کند.

فهرست منابع

- * قرآن کریم (۱۳۷۳). مترجم: مکارم شیرازی، ناصر.
۱. ابن اثیر الجزری، مجدالدین (بی‌تا). النهایه فی غریب الحدیث والآثر. قم: مؤسسه اسماعیلیان.
 ۲. ابن فارس، احمد بن فارس (۱۴۰۴). معجم مقاییس اللغة. قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه.
 ۳. ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴). لسان العرب. بیروت: دار صادر.
 ۴. افرام، فؤاد (۱۳۷۵). فرهنگ ابجدی. تهران: الاسلامی.
 ۵. بهشتی، سید محمد (۱۳۹۰). بهداشت و تنظیم خانواده. تهران: آثار و اندیشه‌های آیت‌الله دکتر بهشتی.
 ۶. جاوید، قنبر (۱۳۹۴). کنترل جمعیت از دیدگاه فقه امامیه و فقه حنفی. قم: مرکز بین‌المللی ترجمه و نشر المصطفی.
 ۷. جوهری، اسماعیل بن حماد (۱۳۷۶). الصحاح: تاج اللغة و صحاح العربیه. بیروت: دار العلم للملایین.
 ۸. حرعاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹). وسائل الشیعه. قم: مؤسسه آل‌البتیت علیه‌السلام.
 ۹. موسوی خمینی، روح‌الله (۱۳۹۲). استفتانات امام خمینی. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه‌السلام.
 ۱۰. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲). مفردات الفاظ القرآن. بیروت: دار القلم.

۱۱. شاطبی، ابواسحاق (بی تا). الموافقات فی اصول الشریعه. بیروت: دار الکتب العلمیه.
۱۲. صدر، محمدباقر (۱۴۱۷). بحوث فی علم الاصول. قم: مؤسسه دایره المعرف فی الفقه الاسلامی.
۱۳. صدوق، محمد بن علی بن بابویه (۱۴۱۲). من لا یحضره الفقیه. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۱۴. طبرسی، حسن بن فضل (۱۳۷۰). مکارم الاخلاق. قم: انتشارات الشریف الرضی.
۱۵. طریحی، فخرالدین (بی تا). مجمع البحرین. تهران: مکتبه المرتضوی.
۱۶. طوسی، محمد بن حسن (۱۴۰۷). الخلاف. قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
۱۷. العاملی، زین الدین بن علی بن احمد (۱۴۱۶). تمهید القواعد الاصولیه و العریبه لتفریح قواعد الاحکام الشرعیه. قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی.
۱۸. علامه حلی، علی بن مطهر اسدی (۱۴۱۳). قواعد الاحکام فی معرفه الحلال و الحرام. قم: دفتر انتشارات اسلام.
۱۹. فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۰۹). العین. قم: نشر الهجره.
۲۰. فرحناک، علیرضا (۱۳۸۹). مأخذشناسی قواعد فقهی درآمد بر قواعد فقهی. تهران: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
۲۱. فرکوس، محمدعلی (۱۴۳۵). المعین فی بیان حقوق الزوجین. الجزایر: دار العواصم.
۲۲. قزاقی، احمد بن ادريس (بی تا). انوار الفروق فی انواء الفروق. بیروت: معالم الکتب.
۲۳. قرشی بنایی، علی اکبر (۱۴۱۲). قاموس قرآن. تهران: دار الکتب الاسلامی.
۲۴. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۱۱). اصول الکافی. بیروت: دار المعارف للمطبوعات.
۲۵. متقی هندی، علی بن حسام (۱۴۱۹). کنز العمال. قم: مؤسسه فرهنگ دار الحدیث.
۲۶. مجلسی، محمدباقر (۱۴۱۰). بحار الانوار. قم: مؤسسه الطبع و النشر.
۲۷. محقق ثانی (۱۴۱۴). جامع المقاصد. قم: مؤسسه آل البيت.
۲۸. مطهری، مرتضی (۱۳۷۳). اسلام و مقتضیات زمان. تهران: انتشارات صدرا.
۲۹. مفید، محمد بن نعمان بغدادی (۱۴۱۳). المقتعه. قم: دار المفید.
۳۰. مکارم شیرازی، ناصر (۱۴۲۸). احکام النکاح. قم: انتشارات مدرسه امام علی بن ابی طالب علیه السلام.
۳۱. مکی عاملی، محمد بن جمال الدین (۱۳۹۸). القواعد و الفوائد. قم: کتابفروشی مفید.
۳۲. نجفی، محمد حسن (۱۴۰۴). جواهر الکلام فی شرایع الاسلام. بیروت: دار احیاء تراث الاسلامی.
۳۳. نوری، میرزا حسین (۱۳۶۸). مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل. قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام.
۳۴. نیک نژاد، جواد (۱۳۹۴). وضعیت فقهی - حقوقی شروط راجع به فرزندآوری یا عدم فرزندآوری در نکاح. نشریه پژوهش نامه حقوق اسلامی، (۱۶)، ۱۰۳-۱۲۴.

